

پایگاه‌های شیاطین بر روی زمین

مقوله مردم‌سالاری و آزادی عقیده و بیان و در نقطه مقابلش خفقان و سرکوب و دسیسه و زندان و ترور و کودتا مهمترین مسئله بشر مدرن در عصر دموکراسی است.

می‌دانیم که دموکراسی و حکومت شورائی از عصر روم و یونان باستان تا به امروز در سلسله مراتب رشد و تکاملش همواره با توسعه و تعمیق حکومت پلیسی - امنیتی در سراسر جهان همراه بوده است.

یکی از کهن‌ترین شورای حکومتی در یونان باستان و در شهر آتن به وقوع پیوست و نخستین قربانی آن سقراط حکیم بود که به جرم گفتگوی با مردم کوچه و بازار به روشنگری اذهان می‌پرداخت محاکمه و اعدام شد. به روایت تاریخ می‌دانیم که این محاکمه به صورت مافیائی در پس پرده روابط اطلاعاتی - امنیتی برخی از اعضای شورای حکومتی صورت گرفت که برخی از آنها از دوستان قدیمی و شاگردان خود سقراط بودند که به حکومت رسیده بودند و اندیشه و کلام سقراط را مخالف نظم عمومی و آرامش نسل جوان تشخیص داده بودند.

این جریان در طی حدود دو هزار و پانصد سال در سراسر جهان مستمراً توسعه و تعمیق یافته به طوری که این تشکیلات اطلاعاتی - امنیتی - نظامی تمامیت سرنوشت حکومت و مردم را در دست دارند و حاکمان حقیقی این گروه هستند و نه کسانی که بواسطه رأی مردم بر سر کار می‌آیند و در شوراها و پارلمان‌ها مشغول قانون‌گذاری و مدیریت جامعه می‌باشند. و بلکه بندرت کسی بی‌اذن این تشکیلات سزای می‌تواند وارد حاکمیت و پارلمان‌ها شود و اگر شود طرد و منزوی می‌گردد.

چنین خفقان و استبداد و سرکوب و ترور پنهان و مخوفی هرگز در نظام‌های سلطنتی کهن گزارش نشده است. آیا براستی چه رابطه‌ای بین نظام‌های شورائی (دموکراتیک) و این تشکیلات مافیائی - اطلاعاتی وجود دارد؟ از کجای ماهیت دموکراسی این پدیده شیطانی رخ نموده است؟ در حقیقت شیطان استبداد و خفقان در بطن و اندرون نظام‌های دموکراتیک تحت عنوان سازمان اطلاعات و امنیت پنهان شده است. یعنی اینکه نظام‌های دموکراتیک و پارلمانی همان نظام‌های استبدادی و سلطنتی کهن هستند که به مراتب منافقانه‌تر و مخوف‌تر عمل می‌کنند و نام این سرکوبگری را حفظ امنیت کشور گذاشته‌اند. در واقع سلاطین و حاکمان حقیقی در فراموش‌خانه‌های این تشکیلات شیطانی پنهان گشته‌اند و تحت عنوان امنیت مردم به سرکوب مردم مشغولند و هر ندای حق طلبانه‌ای را به عنوان خائن نابود می‌سازند.

در حقیقت استبداد و طبع طاغوتی و سلطه‌گرانه نفس بشری در همه حال کار خود را می‌کند و در لباس دموکراسی و آزادی و مساوات اتفاقاً هویتی به مراتب شیطانی‌تر پیدا می‌کند. و لذا سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی کشورهای به اصطلاح دموکراتیک و پارلمانی به مثابه قلب حکومت‌ها عمل می‌کنند و رهبری این نوع تشکیلات حاکم حقیقی بر

سرنوشت جامعه است که حتی نمایندگان مردم و رؤسای جمهور و وزرای دولت را هم از پیش تعیین می‌کند. و گاه این تشکیلات مافیائی در انقلابات هم جان سالم به در برده و در حکومت‌های انقلابی بعدی هم به رسالت شیطانی خود ادامه می‌دهند. نقش ساواک پس از پیروزی انقلاب ۵۷ یا نقش سازمان اطلاعاتی شوروی پس از فروپاشی آن که باز هم رهبری کشور را به دست گرفت و یک افسر مخوف اطلاعاتی مثل پوتین را به قدرت رساند. در واقع حتی انقلابات هم قادر به نابودی این نوع تشکیلات نیستند و این تشکیلات در حکومت‌های انقلابی هم خود را بازسازی و احیاء می‌کنند زیرا همه نقاط ضعف و قوت حکومت‌ها را می‌دانند و بر همه حفره‌های امنیتی اشراف دارند و در این حفره‌ها خود را پنهان می‌سازند تا به وقتش دوباره فعال شوند.

این بدان معناست که دموکراسی‌ها در حقیقت همان نظام‌های استبدادی و سلطنتی و سرکوب‌گر عهد قدیم هستند که در عصر تکنولوژی‌های مدرن خود را استتار کرده‌اند تا از هر گزند مصون بمانند. یعنی تا زمانی که این سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی - تروریستی هستند دموکراسی و حکومت‌های شورائی بازچه‌ای بیش نیستند و همه در خدمت فریب مضاعف مردم قرار دارند و مردم را به رأی خودشان سرکوب می‌کنند و به بند می‌کشند تحت عنوان حفظ امنیت مردم!

می‌دانیم که تشکیلات ساواک بود که حکومت و البته پهلوی را حفظ نمود و همو بود که این حکومت را از درون تهی و سرنگون ساخت و رؤسای آن در نهان به خدمت حکومت انقلابی درآمدند و سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی را بنا نهادند و این تشکیلات امروزه مقرّ سیاست‌های سیا و موساد شده است همان‌طور که ساواک نیز چنین بود. و شاهدیم که همه مفاسد و غارتگری‌ها و ترورهای حاکم بر کل کشور از این تشکیلات مخوف سربرآورده است و همه دولتمردان کوچک و بزرگ و نمایندگان مردم بدون اذن این تشکیلات کمترین اراده‌ای ندارند. و امروزه جمهوری اسلامی ایران تبدیل به مافیائی‌ترین نظام دموکراتیک در جهان شده است یک نظام تمام امنیتی - تروریستی! و باعث و بانی این امر هم کسی جز رهبر و بانی انقلابی نبود که کل ملت را امر به جاسوسی بر علیه یکدیگر نمود و جاسوسی را از اهم واجبات اعلان کرد و یک ملت جاسوس و شیطان صفت پرورد. و امروزه در کشور ما حتی یک کارگر ساده شهرداری یا یک بقال هم بدون جاسوسی کردن امکان ادامه حیات ندارد. خمینی و رهبران جمهوری اسلامی شاهان بی‌تاج و تخت هستند که تاج و تختشان در درون این تشکیلات مافیائی پنهان است: شاهانی عابد و زاهد و مردم دوست که به امرشان هر فدائی مخالف در نطفه خفه می‌شود.

گوئی هر چه که نظامی، دموکراتیک‌تر و شورائی‌تر می‌شود در پنهان مستبدتر و طاغوتی‌تر و شیطانی‌تر می‌گردد. و این تشکیلات مافیائی به مثابه قلب پنهان این نظام‌های به اصطلاح مردم‌سالار هستند.

طبق تعریف قرآن، شیطان تنها دشمن انسان در جهان است و تنها خصم قسم خورده همه ارزش‌های الهی در بشر است دشمن آزادی تفکر و بیان و انتخاب سرنوشت و دشمن عزّت و کرامت‌های انسان و دشمن محبت و اخوت و مودّت بین مردم! و همه این ویژگی‌ها را می‌توان در اشدش در این سازمان‌های طاغوتی و ضد مردمی سراغ گرفت. همان‌طور که

قرآن کریم، تجسس و خبرچینی را از بزرگترین گناهان معرفی کرده است که خمینی آن را از واجبات نظام خویش قرار داد و همه مردم را به جاسوسی دعوت نمود.

استبداد و تجسس دارای ذاتی واحدند. کسی که می‌خواهد همگان را تحت فرمان مطلقه خود قرار دهد تا احدی امکان تفکر متفاوت را نداشته باشد جز تجسس در احوال و افکار و عواطف و کلام مردم راه دیگری ندارد. اینست که در عصر نمایشات دموکراتیک، وجود این نوع سازمان‌ها از اهم واجبات برای مستبدین است. تجسس برخاسته از اراده به مردم‌فریبی و مردم‌خواری است که ذات همه مستبدین می‌باشد که خمینی در عصر جدید اسوه همه مستبدین مردم‌خوار است و در این دوران جز او احدی شهادت نداشته که با صدای بلند همه مخالفان عقیدتی خود را محکوم به مرگ نماید و کل مردم را امر به جاسوسی کند. بدین لحاظ خمینی به لحاظ استبداد و سرکوبگری و نابودی اندیشه و انتخاب مردم در سراسر جهان و تاریخ ایران و اسلام منحصر به فرد است و لذا مافیائی‌ترین نظام سیاسی را بر روی زمین پدید آورده است که یکسره حکومت شیطان است و شیطان در هیچ جای جهان اینسان آشکارا و مفتخرانه حکومت نکرده است آن‌هم به اسم خدا و مقدسات! پس برآستی او دجال آخرالزمان است که مطابق روایات دینی ما ظهور کرد یعنی سوار بر الاغی غول پیکر آتشین و سفید (هواپیما) وارد کشور شد و به همه وعده نان و آب و معیشت رایگان داد و در عوض چشمان و قلوب مردم را تسخیر نمود. و این عین روایات دینی ما درباره ظهور دجال آخرالزمان است که تحت عنوان ناجی ظاهر می‌شود و عموم مردم را می‌فریبد. و عجباً که حتی گروه‌های کمونیستی و ملحد را هم فریب داد.

حکومت‌های ایدئولوژیک یا آرمان‌شهری که به مردم وعده بهشت روی زمین می‌دهند بهانه‌های قوی‌تری برای خفقان و سرکوب آزادی دارند و به اسم مردم، مردم را به بند می‌کشند. و لذا حکومت‌های کمونیستی و نیز جمهوری اسلامی ایران که همه نظام‌های آرمان‌شهری هستند مخوف‌ترین تشکیلات سرکوبگر اطلاعاتی - امنیتی - تروریستی را پدید آورده‌اند. و همه این نوع نظام‌ها دارای هویت دجالی می‌باشند. ادعای منجیگری و وعده بهشت معیشتی!

آنکه به تو وعده خوشبختی می‌دهد شیطان توس!

از آنجا که نظام‌های لیبرالی و سرمایه‌داری و امپریالیستی که وعده بهشت به پیروان خود نمی‌دهند تشکیلات اطلاعاتی - امنیتی خود را هم اساساً بر علیه کشورهای رقیب متخاصم به کار می‌گیرند در حالی که منجیان دجالی تمامیت قدرت سرکوبگری و امنیتی خود را بر علیه مردم خود به کار می‌گیرند و شقی‌ترین خصم آزادی بیان در جامعه می‌باشند. از این‌روست که امروزه همه انقلابیون و بهشت‌پردازان دیروز به دست‌بوسی کسانی رفته‌اند که آنها را دشمن درجه یک مردم می‌دانستند یعنی امپریالیسم!

تا زمانی که اکثریت مردم جامعه‌ای بی‌هویت و از خودبیگانه‌اند مطلقاً آزادی و عدالت را بر نمی‌تابند و حکومت‌ها برای مهار جامعه مجبور به اعمال انواع سرکوب‌ها و استفاده از سازمان‌های امنیتی هستند. اینکه در عصر حاکمیت تکنولوژی‌های مدرن و ارتباطات جهانی آزادی‌های بی‌سابقه‌ای پدید آمده، حکومت‌ها هم بر مهار این آزادی‌ها مبادرت به سرکوب

اطلاعاتی - امنیتی - تروریستی مردم می کنند. مردمی هم که آزاده و صاحب هویت انسانی باشند هرگز زیر بار حکومت های جبار و سرکوبگر نمی روند. پس اگر حکومت جبار و غارتگری را دیدی که با همه ستم هایش مستقر است بدان که بر مردمی جبار و غارتگر حکومت می کنند و تا ماهیت این مردم تغییر نکند سرنوشتشان بهبود نمی یابد. و این سازمان های اطلاعاتی امنیتی در نهان خانه های جوامع مدرن بشری به مثابه حضور نامرئی شیاطین هستند که بر اراده مردمان حکومت می کنند. و تا کفر و بی هویتی و ستم مردمان هست این شیاطین هم حکومت می کنند.

امروزه آن حکومتی که فاقد تشکیلات مخفی اطلاعاتی - امنیتی - جاسوسی - تروریستی باشد برآستی یک حکومت دموکراتیک و مردم سالار است. و آن جامعه نیز جامعه ای آزاده و اهل عدالت است یعنی جامعه ای مؤمن است در معنای حقیقی کلمه!

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۰۵/۲۱